

ضمن تبریک به مناسبت جشن اظهار امر حضرت رب اعلی و آرزوی بهروزی و سلامتی برای همه عزیزان ، برنامه پیشنهادی به مناسبت اظهار امر حضرت رب اعلی تقدیم میگردد.

میدانیم که در شرایط موجود برای رعایت نکات ایمنی امکان برگزاری جلسات وجود ندارد ولی میبایست سعی نمائیم به طرق ممکن ضمن تلاش برای مشارکت و حضور تمامی عزیزانمان، برای اجراء هرچه باشکوهتر این عید مبارک برنامه ریزی نمائیم.

بدیهیست بهره مندی از فضایی شاد و مفرح، منوط به برنامه ریزی، مشورت و به کارگیری ابتکارات فردی است امید آنکه بتوانیم این لحظات مشحون از سرور روحانی را برای همراهان مان مفرح تر نمائیم.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

ظهور حضرت باب مانند سپیده دم است زیرا سپیده دم نوید طلوع آفتاب را میدهد. و حضرت باب نوید ظهور شمس حقیقت را دادند که سراسر دنیا را فرا میگیرد.

کتاب ۴ روحی

برنامه جشن بعثت حضرت رب اعلی

فهرست برنامه

۱. مناجات شروع
۲. مناجات دوم
۳. قسمتی از لوح مبارک ناقوس
۴. بیانات مبارکه حضرت رب اعلی
۵. قسمتی از خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء در خصوص روز بعثت
۶. لوح حضرت عبدالبهاء

تنفس

۷. مراتب جسمانیّه و روحانیّه مظاهر ظهور
۸. واقعه اظهار امر
۹. اظهار امر حضرت باب در مجامع عمومی
۱۰. شعر
۱۱. حکایت
۱۲. برنامه های محلی
۱۳. مناجات خاتمه

۱-مناجات شروع

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ ارْجِعْنَا إِلَيْكَ وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ وَ هَبْ لَنَا مَا أَنْتَ تُحِبُّهُوَ تَرْضَاهُ وَ تَسْتَحِقُّهُ عَنْهُ
بِفَضْلِكَ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اصْفَحْ عَنْهُمْ بِجَمِيلِ صَفْحِكَ أَنْتَ الْمُهِيمُنُ الْقَيُّومُ

منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی ص ۱۲۵

۲-مناجات دوم

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار مهربان، این نفوس ندای ملکوت شنیدند و انوار شمس حقیقت دیدند و در فضای جانفزای محبت
پریدند. عاشقان روی تو و مُنجذبان خوی تو و آرزومند کوی تو و متوجّه به سوی تو و تشنه جوی تو و مشغول به
گفتگوی تو. توئی دهنده و بخشنده و مهربان . ع ع

مجموعه مناجات چاپ آلمان ص ۲۶

۱۳-مناجات خاتمه

هَبْ لِي يَا إِلَهِي كَمَالَ حُبِّكَ وَ رِضَاكَ وَ اجْذِبْ قُلُوبَنَا بِإِنجذابِ نوركِ يَا بُرْهَانَ يَا سُبْحَانَ وَ انزِلْ عَلَيَّ نَفْحَاتِكَ فِي آنَاءِ
الْيَلِّ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ بِجُودِكَ يَا مَنَّانَ

منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی

هُوَ الْعَزِيزُ هَذِهِ رَوْضَةُ الْفِرْدَوْسِ اِزْتَفَعَتْ فِيهَا نِعْمَةُ اللَّهِ الْمُهَيَّمِينَ الْقِيَوْمِ وَ فِيهَا اسْتَقَرَّتْ حُورِيَّاتُ الْخُلْدِ مَا مَسَّهِنَّ أَحَدٌ إِلَّا
 اللَّهُ الْعَزِيزُ الْقُدُّوسُ وَ فِيهَا تَعَرَّدَ عُنْدَلِيْبُ الْبَقَاءِ عَلَى أَفْنَانِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى بِالْنِّعْمَةِ الَّتِي تَتَحَيَّرُ مِنْهَا الْعُقُولُ وَ فِيهَا مَا يُقَرَّبُ
 الْفُقَرَاءَ إِلَى شَاطِئِ الْعَنَاءِ وَ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى كَلِمَةِ اللَّهِ وَ إِنَّ هَذَا لَحَقُّ مَعْلُومٍ بِسْمِكَ الْهُوَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ الْهُوَ يَا هُوَ يَا رَاهِبَ
 الْأَحْدِيَّةِ اضْرِبْ عَلَى النَّاقُوسِ بِمَا ظَهَرَ يَوْمَ اللَّهِ وَ اسْتَوَى جَمَالُ الْعِزِّ عَلَى عَرْشِ قُدْسٍ مُنِيرٍ سُبْحَانَكَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ هُوَ
 يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ يَا هُوَدَ الْحَكِّمِ اضْرِبْ عَلَى النَّاقُورِ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْكَرِيمِ بِمَا اسْتَقَرَّ هَيْكَلُ الْقُدْسِ عَلَى كُرْسِيِّ
 عِزِّ مَنْبِعِ سُبْحَانَكَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ يَا طَلْعَةَ الْبَقَاءِ اضْرِبْ بِأَنَامِلِ الرُّوحِ عَلَى رَبَابِ قُدْسٍ بَدِيعِ
 بِمَا ظَهَرَ جَمَالُ الْهُوِيَّةِ فِي رِدَائِهِ حَرِيرِ لَمِيْعٍ سُبْحَانَكَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ يَا مَلَكَ النُّورِ انْفُخْ فِي
 الصُّورِ فِي هَذَا الطُّهُورِ بِمَا رَكِبَ حَزْفُ الْهَاءِ بِحَزْفِ عِزِّ قَدِيمٍ سُبْحَانَكَ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا هُوَ

ادعیه محبوب ص ۱۳۶

۵-قسمتی از خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء در خصوص روز بعثت

امروز روزی بود که شبش حضرت باب در شیراز برای حضرت باب الباب اظهار امر کردند ظهور حضرت باب عبارت از
 طلوع صبح است چنانکه طلوع صبح بشارت بظهور آفتاب میدهد همین طور حضرت باب علامت شمس بهاء بود
 یعنی صبحی بود نورانی که آفاق را روشن کرد و آن انوار کم کم نمایان شد تا عاقبت مهر رخشان جلوه نمود حضرت
 باب مبشّر بطلوع شمس بهاء الله بود و در جمیع کتب خویش بشارت بظهور حضرت بهاء الله داد.

ایام تسعه ص ۱۰۷

حضرت ربّ اعلی جلّ اسمه الاعزّ الاعلی در کتاب بیان میفرمایند:

"و از حین ظهور شجرهٔ بیان الی ما یغرب، قیامت رسول الله است که در قرآن خداوند وعده فرموده که اوّل آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰ که سنه ۱۲۷۰ از بعثت میشود."

و در باب ثالث عشر از واحد سادس میفرمایند قوله تعالی:

"بعد از غرس شجره قرآن کمال آن در هزار و دویست و هفتاد رسید که اگر بلوغ آن در دوساعتی در شب پنجم جمادی الاوّل میبود به پنج دقیقه بعدتر ظاهر نمی شد...." (۱)

هیچ جنتی از نفس عمل به اوامرالله اعلی تر نبوده نزد موحدین و هیچ ناری اشدّ از تجاوز از حدودالله و تعدی نفسی بر نفسی نبوده اگر چه به قدر خردلی باشد.(۲)

و در بیان دیگر می فرمایند:

"خداوند در هر حال غنی بوده از خلق خود و دوست داشته و میدارد که کل با منتهای حبّ در جنّات او متصاعد گردند که هیچ نفسی بر هیچ نفسی به قدر نفسی حزنی وارد نیاورد که کل در مهد امن و امان او باشند الی یوم القیامة که آن اول یوم ظهور من یتظهروه الله است. و خداوند عالم هیچ نبی را مبعوث نفرموده و هیچ کتابی را نازل نفرموده مگر از کل اخذ عهد از ایمان به ظهور بعد و کتاب بعد گرفته زیرا که از برای فیض او تعطیل و حدی نبوده.(۳)

۱- گنجینه حدودص ۳۶۹

۲- منتخبات آثار حضرت باب ص ۵۴

۳- منتخبات آثار حضرت باب ص ۵۹

هو الله

ای بهّاج پر ابتهاج، دیروز که روز پنجم جمادی الأولى یوم بعثت حضرت اعلی بود در حوالی بقعه مبارکه مرقد مقدّس روحی لتربته الفدا سراپرده را زدند و در کمال روح و ریحان بزم سرور آراسته گشت و جمیع احبّای الهی از مهاجرین و مجاورین و مسافرین کلّ حاضر و با وجوه ناضره مستبشره بذكر حقّ و بهجت و بشارت و مسرت بیوم بعثت حضرت سراسر بشارت روحی له الفدا مجتمع گشتند و مهمانی موعود آنجناب مجری شد و در نهایت روحانیت از صبح تا دو ساعت از شب گذشته امتداد یافت بعد از تلاوت الواح مخصوصه و مناجات و قصائد و محامد جمال قدم روحی لأحبّائه الفدا و حضرتاعلی بنفسی له الفدا و صحبت و نصائح مائده ممدود شد و بیاد شما نهار صرف گشت و بعد قدح چای بدور آمد و پس از آن جمیع یاران در کمال خضوع و خشوع رو بروضه مقدّسه نموده در نهایت تذلل و انکسار جمعاً بشرف تقبیل آستان مقدّس مشرف شدیم زیارت تا قریب یک ساعت بعد از مغرب امتداد یافت و تمام سراجهای بقعه مطهره را بدست خود روشن نمودم

مکاتیب ج ۵ ص ۲۷۷

۷- مراتب جسمانیّه و روحانیّه مظاهر ظهور

مظاهر ظهور سه مقام است اول حقیقت جسمانیّه که تعلق باین جسد دارد، ثانی حقیقت شاخصه یعنی نفس ناطقه، ثالث ظهور ربّانی و آن کمالات الهیه است و سبب حیات وجود و تربیت نفوس و هدایت خلق و نورانیت امکان. این مقام جسد مقام بشریست و متلاشی میشود زیرا ترکیب عنصریست و آنچه از عناصر ترکیب میشود لابدّ تحلیل و تفریق میگردد. اما آن حقیقت شاخصه مظاهر رحمانیه یک حقیقت مقدّسه است و از این جهت مقدّس است که من حیث الذّات و من حیث الصّفات ممتاز از جمیع اشیاست مثل اینکه شمس من حیث الاستعداد مقتضی انوار است و قیاس باقمار نمیشود... و مقام ثالث نفس فیض الهی و جلوه جمال قدیم است و اشراق انوار حیّ قدیر و حقیقت شاخصه مظاهر مقدّسه انفکاک از فیض الهی و جلوه ربّانی ندارد لهذا مظاهر مقدّسه صعودشان عبارت ازین است که قالب عنصری را ترک کنند مثل اینکه سراجی که تجلی درین مشکاة دارد شعاعش از مشکاة منقطع میشود یعنی این مشکاة خراب گردد اما فیض سراج منقطع نمیشود

مفاوضات ص ۱۵۴

در ماه مه ۱۸۴۴ سید علی محمد که از بوشهر به شهر زادگاه خود بازگشته بود، به آرامی در منزل خویش زندگی می‌کرد. او در این هنگام جوانی بیست و پنج ساله بود با قامتی باریک، قدی متوسط، بینی ظریف عقابی و چشمانی قهوه‌ای درشت، ابروانی زیبا و گیسوان، سبوت و محاسنی به رنگ قهوه‌ای تیره. سید علی محمد که طبیعتی متأمل و روحانی داشت، به خاطر خرد، صداقت، صراحت و شخصیت آرام و مهربان خود معروف و مورد احترام بود... شبی حضرتش در بیرون شهر مشی می‌فرمود. با نزدیک شدن غروب حضرتش مسافر خسته‌ای را دید که به دروازه شهر نزدیک می‌شد. حضرتش به سوی شخص تازه وارد رفت و او را با لحنی دوستانه تحیت گفت (که موجب اعجاب آن مرد گردید) و مسافر را دعوت فرمود تا به خانه او آمده و خستگی سفر را از تن خود بزداید. مسافر نیز با کمال ادب و شگفت‌زده‌تر از آن که پیشنهاد حضرت را رد کند، در پی ایشان روان شد. سید علی محمد از مهمان خود با چای که به نشانه احترام با دستان خویش فراهم آورده بود، پذیرایی کرد. حضرت باب در قبال اظهارات مهمان که برادر و پسر خواهرش در مسجد شهر منتظر او هستند و باید به سرعت نزد آنان بازگردد، مؤکداً فرمودند: «شما باید ساعت بازگشت خود را مشروط به مشیت و رضایت خداوند ساخته باشید...» چنین بیان متین و قاطعی به همه اعتراضات مهمان خاتمه داد و با رضا و تسلیم مطلق، اما مات و مبهوت به اوامر میزبانش که برای اولین بار او را می‌دید، سر تمکین فرود آورد...

مهمان شخصی شیخی بود که از درگذشت پیشوایش مدتی نمی‌گذشت و شاگردانش را مطلع ساخته بود که مرگ او پیش درآمد پیدایش آن شخصیت منحصر بفردی است که همگی مشتاقانه منتظر ظهور او هستند؛ کسی که جهان را با ظهور خویش مستضیء خواهد ساخت. مسافر یعنی ملاحسین مدتها بود که ایام خویش را به اعتکاف و مناجات پرداخته، به خداوند تضرع می‌نمود تا او را به سرچشمه این منبع روشنایی جدید جهان هدایت نماید. نهایتاً تحت تأثیر سائقه درونی غیر قابل کنترلی، او همه راه از کربلا در عراق تا شیراز در جنوب ایران را پیموده بود.

سید علی محمد علاقه فراوانی به سرگذشت مهمانش اظهار داشت و طی صحبت از او پرسید که انتظار دارد تا در شخص موعود چه علامتی را مشاهده کند تا به واسطه آن او را بشناسد...

با اطمینان منبعث از اعتقاد، ملاحسین به اختصار آنچه را که شیخیه بر حسب آموزشی که دیده بودند از شخص موعود انتظار داشتند، مطرح ساخت. چنین شخصی باید (بر طبق روایت) خلف پیامبر باشد. سن او بین بیست و سی

سال بوده واجد قامت متوسط باشد؛ از دخان پرهیز کند و فاقد هر گونه نقائص و معایب جسمانی بوده، واجد معرفت و حکمت ذاتی باشد. ملاحسین این مضمون را با اشتیاق تمام مطرح ساخت.

بازرگان جوان شیرازی با دیدگان زیبا و اندیشمند خود به او نگریست و با متانت فرمود: «بنگر همه این علائم در من وجود دارد.» میزبان سپس نکته به نکته آن علائم را در شخص خود نشان داد و اظهار داشت که همه این علائم با شخصیت او همخوانی کامل دارد. ملاحسین... ناگهان همه دلائلی که بر حسب آن اثبات اعتبار دعاوی شخص موعود ممکن می‌شد، از ذهنش گذشت. ملاحسین رساله‌ای در ارتباط با بسیاری از مواضع بسیار غامض که مدت‌های مدیدی ذهن او را به خود مشغول می‌داشت تنظیم کرده بود؛ شخص موعود قطعاً به همه این سوالات باید پاسخ می‌گفت. همچنین مقتدای او به او اظهار داشته بود، هنگامی که شخص موعود منتظر ظاهر شود، بدون آن که از او خواسته شود، تفسیری بر یکی از سوره قرآن که به داستان قدیمی تورات راجع به یوسف و برادرانش مربوط می‌شد، نازل خواهد کرد... ملاحسین که به شوق آمده بود، با احترام و ادب بیشتر رساله‌ای را که آماده کرده بود به میزبان خویش تقدیم نمود و از ایشان خواست به دیده عنایت و مرحمت در آن نظر نماید. سید علی محمد به نیم نگاهی لب مطلب را دریافت. میزبان بلافاصله به توضیح مضامین مطروحه پرداخت و مفهوم برخی از احکام و روایات را آن چنان زیبا توضیح فرمود که ملاحسین شگفت‌زده شد و در عین حال شیفته شد... سید علی محمد، قلم نی و اوراق کاغذ بسیار نفیسی را برداشت و اظهار داشت که اینک زمان آن فرا رسیده است که تفسیری بر سوره یوسف نوشته شود و با استقرار دست خویش بر زانوهایش سریعاً و بدون توقف و تزلزل کل فصل اول تفسیر خود را نوشت... بدین ترتیب بود که به آرامی و اطمینان دیانت جدید دیگری در افق قرن نوزدهم طلوع نمود.

راه و رسم زندگی صص ۱۰۵-۱۰۹

۹- اظهار امر حضرت باب در مجامع عمومی

حضرت باب در مجامع و مجالس عمومی در سه نوبت رسماً و صریحاً مقامشان را به مراجع عظام و ارکان حکومت ابلاغ فرموده اند. ابتدا در شهر شیراز در خطبه معروف در مسجد وکیل که بر بالای منبر ایراد فرمودند به علمائی که همگی به زبان عربی آشنا بوده و یا عربی را به خوبی می‌دانستند، اتمام حجت کردند و اظهار داشتند که هر کس از

شما علماء که ميتواند مثل من که یک جوان ۲۵ ساله هستم اينطور آيات را بالفطره نازل نمايد بر اوست که همين حالا قيام کند و الا حجت بر همه شما تمام و کامل است. و شاهد اين مدعا آنکه در همان مسجد چند نفر ايمان آوردند که پس از اتمام خطبه به دنبال آن حضرت از مسجد خارج شدند. مرتبه دوم در اصفهان در مجلس جناب منوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان بود که در حضور علماء حقانيت خود را اظهار فرمودند و سبب ايمان نفوس محترمی در آن شهر شدند و مرتبه سوم در مجلس وليعهد ايران ناصرالدین ميرزای قاجار در تبريز بود که نه تنها استقلال شريعت جديد را اعلان فرمودند بلکه به صراحت ابلاغ امر نيز فرمودند که موجب خشم و وحشت علماء گرديد و ايشان را به چوب بستند و حکم اعدام آن حضرت را امضاء نمودند که منجر به شهادت آن حضرت گرديد.

وجيزه ص ۶۶

۱۰-شعر

ياد آور شبی که باب الباب
بود اندر حضور حضرت باب
کرد او یک سوال از آن حضرت
گشت صادر ز حق هزار جواب
ياد آور شبی که نغمه حق
برد رونق ز صوت و چنگ و رباب
ياد آور شبی که بشروئی
تا سحر دیده اش نرفت به خوب
ياد آور شبی که آياتش
شد به او نشئه بخش ، همچو شراب
گفت حق در چنین شبی زين پس
گرد هم جمع می شوند احباب
شد از آن ليله بقاء آغاز
جذبه و شعله و اياب و ذهاب

بعد از آن شد حروف حی تشکیل
بنهادند سر به کف اصحاب
عاشقان روی یار چون دیدند
هیچ یک را نماند طاقت و تاب
امر محبوب گشت عالمگیر
برتر از آفتاب عالمتاب
ای بسا خانه ها که شد ویران
بهر آبادی جهان خراب
بزم آماده ، یار اندر بر
فیض فیاض را بیا و بیاب
چند باید به چشم ظاهر بین
بکنی ترک آب بهر سراب
جا گزین در سفینه حمراء
برهان خویش را از این گرداب
چون زمین باش ، نرم و آماده
تا شوی بهره ورز فیض سحاب
شب عید است و گشته بزم طرب
عنبر آگین ز بوی عطر و گلاب
بهترین جامه زیب قامت کن
که چنین امر شد ز حق به کتاب
" بلبل " روی سوی جانان دار
وز جهان و جهانیان برتاب

شعر از : وثوق الله بلبل معانی

خانم (جوانا مک) اهل آمریکا متولد و ساکن شیکاگو یک مجسمه ساز بهائی است که هنرش را در خدمت امر مبارک به کار گرفته . خانم جوانا در خانواده هنرمند و هنر دوست پرورش یافته و از دانشگاه آریزونا در رشته معماری فارغ التحصیل شده و بیشتر روی برنز و آهن کار می کند . تازه ترین اثر هنری وی مجسمه غلام حبشی حضرت نقطه اولی به نام "مبارک" است . این مجسمه برنزی بر روی یک درب منزل همانند درب بیت مبارک در شیراز در کارگاه مجسمه سازی وی در آمریکا نصب گردید . همان دربی که غلام حبشی در شب بعثت حضرت اعلی در شیراز به روی حضرت باب و ملاحسین اولین مومن به آن حضرت باز کرد و نام خود را در آئین بهائی مخلص و جاودان ساخت.

او می گوید ساختن این مجسمه احتیاج به وقت زیاد و افراد متعددی که هر یک در فن خود ماهر و با تجربه بودند داشت . وقتی در سال ۱۹۹۱ میلادی در کنفرانس هنرمندان بهائی در لوس آنجلس شرکت کردم یک هنرمند نقاش که ساکن ارض اقدس بود برای ابلاغ پیام مهمی از جانب بیت العدل اعظم به کنفرانس لوس آنجلس آمد . وی اظهار نمود اکنون وقت آن رسیده که هنرمندان به مطالعه تاریخ و آثار مبارک پردازند و از آن الهام گیرند . کمی پس از آن در کنفرانس دیگری شرکت نمودم و یک جلد کتاب تاریخ نبیل زرنندی خریدم . هنگام مطالعه آن کتاب به موضوع غلام حبشی حضرت اعلی برخوردیم که الهام بخش این مجسمه تاریخی بود . پروژه مجسمه "مبارک" با کمک خیاط ، نجار، آهنگر ، کفاش و عکاس به پایان رسید و آماده نصب گردید . فکر کردم آن را در مقابل درب ورودی ساختمان محفل ملی آمریکا نصب نمایم ولی بعد با مشورت با بیت العدل اعظم تصمیم بر این گرفته شد آن مجسمه در درب ساختمان محفل ملی روحانی حبشه نصب گردد.